مصراب

نسیم قاضی‌زاده

مرور آلبوم موسیقی «تربت جام»

گنجینه «چاربیتی» چهار استاد

انتشارات ماهور به‌تازگی آلبوم موسیقی «تربت جام» را شامل آثار چهار استاد موسیقی تربت جام -غلامعلی پورعطایی، نورمحمد ذریور، عبدالله سرور احمدی و غلامعلی نیناوز- منتشر کرده است. در این آلبوم، آثاری از «چاربیتی» از این استادان آمده است. چاربیتی، یک فرم موسیقی در منطقه تربت جام و خراسان رضوی و جنوبی تا منطقه سیستان است و در واقع فرمی شعری است با چهار مصراع که همان «دوبیتی» است و به‌اشتباه به آن چاربیتی می‌گویند. در جنوب خراسان گاه به آن «چارلنگی» هم گفته می‌شود. انواع دیگر فرم چاربیتی در موسیقی منطقه تربت جام و باخرز عبارت‌اند از مقام‌هایی مانند جمشیدی، هزارکی (هزارهای)، کوهستانی و شرحدّی. شعر خوانده‌شده در این قطعه از قاضی جلال‌الدین فقهی، شاعر قرن حاضر است. «جمشیدی» با پیش‌نواز مشق پلنتان و نوایی نیز در این آلبوم آمده.

این مقام منسوب به ایل جمشیدی از بزرگ‌ترین ایلات منطقه تربت جام است. با تغییر مرزهای شرقی ایران توسط دولت بریتانیا ایستگاه‌های اصلی این ایل (و نیز ایل هزاره) که تربت جام در ایران و هرات در افغانستان بود، از هم جدا و این دو ایل دوباره شدند. فراموش نکنیم تا نیمه دوم حکومت سلسله قاجار، در هرات سکه به نام شاه ایران ضرب می‌شد. در واقع، موضوع تغییر مرزها در شرق، شمال و غرب ایران به‌هیچ‌وجه تصادفی نبوده است. شعر این قطعه از سعدی است

«ما ایلی و مجنون»، داستانی است که در این اثر خوانده قسمتی از آن را می‌خوانید. زمانی که مجنون از این جهان در می‌گذرد و او را به زندان لحد می‌سپارند، دو ملک (نکیر و مُنکر) در جایگاهش حاضر می‌شوند و از او می‌پرسند: «رَبُّ تو کیست؟». مجنون آهی می‌کشد و می‌گوید: آن‌قدر در عشق لیلی غرق بودم که به روز محشر پروایی نداشتم. در صحرای قیامت خانه‌ای می‌سازم و با لیلی عشق‌بازی می‌کنم... از هر کاری که انجام دادم توبه اولیٰ (بالاترین) می‌کنم به جز توبه از عشق لیلی [خداوندا]». ملائک (نکیر و مُنکر) که این سخنان را از مجنون شنیدند خواستند او را عذاب دهند و با گرز گرانی که داشتند بر او بکوبند. در همان لحظه از جانب خداوند ندا می‌آید که دست از او بردارید و دل سوزنده او را آزار ندهید؛ روز قیامت خلایق را جمع می‌کنم؛ او را به بهشت نزد خود می‌برم و به مقصود و مطلوبش می‌رسانم».

«لیلی و مجنون» در مقام «سرحدّی» اجرا شده و شعر آن مناجات جُنید بغدادی است از کتاب جامع‌السلوک حضرت مولانا شاه آمانالله نقشبندیه - مجدّد الف ثانی از پیروان سلسله طریقت نقشبندیه مجدّدی تربت جام. «صیاد» داستانی است که باز خوانده بخش هایی از آن را می‌خواند: «روزی صیادی به قصد شکار به صحرا می‌رود. یک قمری را روی شاخه درختی می‌بیند. نزدیک می‌شود. از طرف دیگر یک شاهین هم در آسمان قصد شکار قمری را دارد. پرنده که می‌بیند میان دو صیاد، یکی در زمین و دیگری در آسمان گرفتار شده، به درگاه خداوند پناه می‌برد و می‌گوید: خداوندا! هیچ راه و چاره‌ای ندارم. مناجات قمری مستجاب می‌شود و ماری در زمین پای صیاد را می‌گزد و تیر صیاد راه قمری را می‌شود و به سینه شاهین می‌خورد و هر دو صید در زمین و آسمان از میان می‌روند؛ «فضای خداوند را ندانم که ازست‌دوتا نیند مُرد و یکی مرده زیست؛ اگر تیغ عالم بجنبد از جا / نُبُرد رگی تا نخواهد خدا».

داستان صیاد در مقامی خوانده می‌شود که امروزه اشتباهاً به آن مقام «صیاد» می‌گویند. مرحوم نورمحمد ذریور، غزل کُشتی‌گیری حضرت رسول (ص) با حضرت علی (ع) را در این مقام می‌خواند و به شهادت فرزند ارشدش، محمد فاروق ذریور، آن را مقام «کُشتی‌گیری» می‌نامید. بعدها مقام «صیاد» را از روی مهمی است و بخواهد در آن بیشتر دقت کنید. دیگه دقیقا چند سال طول می‌کشد که به این هدف برسیم. کاملا مشخص نیست. اما در حال حرکت در این مسیر هستم.

★ اما در کشورتان وقتی مرحوم خواستند که فلقه بخوانند، شما کنسلید که در جشنواره نمی‌شود چون زمان محدودی داریم. به نظر می‌آید هنرمندان به اجرای جشنواره صحه‌ای نمی‌گذارند که بعضی می‌گذارند. شاید این دلیل اصلی شکرنکردن بعضی از هنرمندان در جشنواره باشد.

آقا: برخی از هنرمندان برای این نمی‌آیند که می‌بیند به اصطلاح که متحمل می‌شوم، با کروهم به این جشنواره می‌روم، اما احتمالا در نهایت جایم را به کسی می‌دهند که همسترو را جریان حرکت می‌کند. از طرف دیگر بعضی از تهیه‌کنندگان چون می‌بینند که شرکت‌کردنشان عدیه مالی برایشان ندارد، گروه را قانع می‌کنند که شرکت نکنند. عده‌ای هم بیشتر تحت‌تاثیر قرار می‌گیرند که اینها نمایش جداست. کاش می‌شد جشنواره ما خوجی فرهنگی داشته باشد؛ یعنی یکوییم اصلا جشنواره تمام شد و ۱۰ نفر هنرمند عضو شدند، کنسلت کردیم. نه‌اینکه فقط آدم‌های معروف در اثرش کنند. جزایه بارید هم با این اسم زمایش. نمی‌دانستیم که این کار چطور بود. اما...

★ آقای چراغعلی به‌عنوان داور باب این دوره از جشنواره و کسی که سال‌هاست در این حوزه فعالیت می‌کند. اگر به اجرا توجه ویژه می‌کردید، چقدر می‌توانست به جشنواره وجاهت دهد و مؤثر واقع شود؟ چون به نظر می‌آید کاری که در جشنواره انجام می‌شد، می‌توانست در طول سال هم انجام شود و احتیاجی به جشنواره نداشت.

چراغعلی: سیاست‌گذاری جشنواره به‌گونه‌ای بود که بخش رقابتی در اجرا نبود. سال گذشته بعد از اتمام جشنواره، قرار بود کمیته‌ای تشکیل شود و این بعد بررسی شود که کارگروهی تشکیل شود که اجرای مختلف را در طول سال ببینند و اجرای منتخب سال داشته باشیم. این کار مشکلات خاص خودش را داشت. اما سیاست جشنواره در سال گذشته، بررسی دوساله خوجی‌هایی بود که به بازار عرضه شده بود. اما امسال هم از مهرماه سال گذشته تا امسال ۲۷ اثر در بخش بالکام با ۱۵ اثر در بخش بی‌کلام منتشر شده بود. در طول سال هم می‌شود اجرا را بررسی کرد. اما بالاخره جشنواره بهترین زمان برای اعلام نتایج است. می‌شود یک کمیته کوچک رونمایی گرفت. اما چه بهتر که در حاشیه برگزاری جشنواره که مهم‌ترین رخداد موسیقی است این اتفاق بیفتد.

★ منظور این است که در کشور ما جایزه‌هایی با سطح قابل قبول ارائه می‌شود. اما به نظر می‌آید چیزی که مغفول مانده، بحث منطقه اجراست: اعم از طراحی صحنه و لباس. اجرای خوانده و موسیقی با بالکام و بی‌کلام و...

عظیمی‌نژاد: اینکه راه‌حلی پیدا کنیم مثل اینکه فلان گروه موسیقی زیرزمینی که در طول سال نمی‌تواند مجوز بگیرد، به کشور معرفی می‌گذارند. شاید این دلیل اصلی شکرنکردن بعضی از هنرمندان در جشنواره باشد.

آقا: اینکه راه‌حلی پیدا کنیم مثل اینکه فلان گروه زیرزمینی که در طول سال نمی‌تواند مجوز بگیرد، کاذب و موقتی است و به مرور زمان جذابیتش از بین می‌رود. وقتی مشکل حل می‌شود که تهیه‌کنندگان جشنواره موسیقی فجر را بستری بدانند برای اینکه آرتیست‌های تازه‌کار را پیدا کنند و برایشان اجرا بگذارند کمااینکه الان هست کسانی که این کار را می‌کنند. آدم‌هایی هستند که هستند کار را قبول کنند که طبیعی هم هست. یک فکر اساسی که برای سال آینده باید بشود این است که حاشیه‌های این اجراها باید از دست کسانی که شاید ۳۰ اجرا در سال می‌روند گرفته شود و به دست گروه‌های جوان بیفتد که دیده شوند. این کار هم احتیاج به سیاست‌گذاری‌های پیچیده‌تری دارد.

★ به‌خصوص در موسیقی ایرانی خودشان را رهاتر از این آیین‌نامه‌ها احساس می‌کنند.

نوربخش: چاره‌ای نیست جز اینکه حرفه‌ای شویم. این هم شروعی است که ما را به سمت حرفه‌ای‌تر نگاه‌کردن، استانداردها را رعایت‌کردن و به مخاطب احترام‌گذاشتن پیش می‌برد.

آقا: اگر چنین جشنواره‌هایی نباشد، دوستان غر می‌زنند که چرا وجود ندارد و اگر هم باشد، غر می‌زنند که چرا فلانی جایزه‌اش را گرفته ما هم اشما فکر کنید همه اجراها را نتوانسته رصد و داوری کنند. اما صرف وجود چنین برنامه‌ای، باعث ارتقای کیفیت اثرلندی‌های ما اکت‌ها و اجرا در مخاطب می‌شود.

★ این به انتخاب اجرا هم مربوط می‌شود.

نوربخش: جدا از این. همین که بدانی چه اجرایی دیده می‌شود، اهمیت بسیاری دارد.

چراغعلی: در حاشیه برگزاری جشنواره، هر سال یک‌سری کنسرت برگزار می‌شود که به نظر می‌رسد میدان دست کسانی است که خیلی جشنواره از فروش بلیت و تأمین منابع مالی‌اش است. درحالی‌که توقع بر این است که در جشنواره اجراهای صورت بگیرد که در آن اتفاق بیفتد کیمیا. این اتفاقی است که در سینما می‌افتد؛ همه راحتشان را می‌کنند و ما محیط یک سال تلاشمان، ویترینی به نام جشنواره فجر می‌شود. در این ویترین، به واسطه حضور مطبوعات و تهیه‌کننده‌ها، بیشتر دیده می‌شوند و می‌توانند در طول سال محصولشان را بفروشند. این اتفاق در موسیقی سخت است چون هنوز جشنواره فجر آن ویترین دری را که باید داشته باشد ندارد. من هنرمند فرد تئاتر هم هستم و ما در تئاتر دیدیم اول که این است که اقتصاد وارد جشنواره شود. یعنی سینما الان قدرت همین دو روز بالاترین پک فیلم با زمین‌زدنش... سینماگرها در جشنواره پخش یک سال‌شان را با دیدن فیلم‌ها می‌زنند. بالاتسی بین کیشه و اعتبارشان و عوامل دیگر است که در تهران به فیلم‌های هنری مثل فروشنده هم هست که خیلی فروش می‌کنند. در موسیقی هم اگر تهیه‌کننده‌ها و به طور کل اقتصاد وارد عمل شود، جریان‌ها فرق می‌کند.

★ غیر از دوسالی که آقای نوربخش هستند، در جشنواره موسیقی کاملا راه برعکس را طی کرده‌اید. یعنی اگر در جشنواره فیلم، فیلم‌ها بدون سوسایتی شده‌اند و مخاطب مشتاق دیدنش بوده، در جشنواره موسیقی تا قطعه‌ای زده می‌شد که مردم دست می‌زدند. لامپ‌های سالن روشن می‌کردند.

عظیمی‌نژاد: اینکه راه‌حلی پیدا کنیم مثل اینکه فلان گروه موسیقی زیرزمینی که در طول سال نمی‌تواند مجوز بگیرد، بیاید در جشنواره اجرا کند. کاذب و موقتی است و به مرور زمان جذابیتش از بین می‌رود. وقتی مشکل حل می‌شود که تهیه‌کنندگان جشنواره موسیقی فجر را بستری بدانند برای اینکه آرتیست‌های تازه‌کار را پیدا کنند و برایشان اجرا بگذارند کمااینکه الان هست کسانی که این کار را می‌کنند. آدم‌هایی هستند که بنا به دیدن‌شان فکر می‌کنم اینها هیچوقت نمی‌توانند موفقیتی کسب کنند اما کسانی هستند که در دنیا نشستن و بلند نشستن دو نفر از موزیسین‌ها یک چهره مطرح در موسیقی باب تبدیل کنند. آن آدمی است که می‌تواند بین هنر و تجاری بودن تأمین ایجاد کند. دوست دارم در جشنواره مالی‌اش، از جامعی بچها دریافت می‌کند و این بودجه به جایی اینکه کمک به هنرمندان محسوب شود، جول‌ای چرخ‌شان می‌گذارد که

عکس‌ها: روابط عمومی شرق

چراغعلی: در حاشیه برگزاری جشنواره هر سال یک‌سری کنسرت برگزار می‌شود که به نظر می‌رسد میدان دست کسانی است که خیلی جشنواره از فروش بلیت و تأمین منابع مالی‌اش است. درحالی‌که توقع بر این است که در جشنواره اجراهای صورت بگیرد که در آن اتفاق بیفتد کیمیا. این اتفاقی است که در سینما می‌افتد؛ همه راحتشان را می‌کنند و ما محیط یک سال تلاشمان، ویترینی به نام جشنواره فجر می‌شود. در این ویترین، به واسطه حضور مطبوعات و تهیه‌کننده‌ها، بیشتر دیده می‌شوند و می‌توانند در طول سال محصولشان را بفروشند. این اتفاق در موسیقی سخت است چون هنوز جشنواره فجر آن ویترین دری را که باید داشته باشد ندارد. من هنرمند فرد تئاتر هم هستم و ما در تئاتر دیدیم اول که این است که اقتصاد وارد جشنواره شود. یعنی سینما الان قدرت همین دو روز بالاترین پک فیلم با زمین‌زدنش... سینماگرها در جشنواره پخش یک سال‌شان را با دیدن فیلم‌ها می‌زنند. بالاتسی بین کیشه و اعتبارشان و عوامل دیگر است که در تهران به فیلم‌های هنری مثل فروشنده هم هست که خیلی فروش می‌کنند. در موسیقی هم اگر تهیه‌کننده‌ها و به طور کل اقتصاد وارد عمل شود، جریان‌ها فرق می‌کند.

★ پس چرا اختتامیه این‌قدر از لحاظ حضور هنرمندان خلوت بود؟

نوربخش: در موسیقی هنوز این برایمان جا نیفتاده که من می‌توانم جزء پنج نفر کاندیدا باشم و جایزه نگیرم. سال گذشته کسی را داشتیم که همان شب اختتامیه جزء پنج نفری بود که اسمش اعلام شد و جایزه نگرفت. شب به من پیامک داد که جرا به من توهین کردی؛ یعنی هر چیزی را غیر از اینکه جایزه بگیرد، برای خودش توهین تلقی می‌کرد. در سینما سال‌های سال است که این روال وجود دارد.

★ در سینما هم همین حرف‌ها وجود دارد.

نوربخش: اما جاافتاده‌تر است. در موسیقی یکی، دو سال است که این کار انجام می‌شود. به هر کسی زنگ می‌زنیم که جزء کاندیداها هستی، انکار می‌خواهد متوجه نشود که برنده شده یا نه. که بیاید یا نه. این هم نشان می‌دهد که جایزه اهمیت دارد و هم اینکه جزء اهل موزیسین‌ها نمی‌آیند. در سینما اگر یک بازیگر بازتجربه مثل رابرت دنیرو و یک بازیگر جوان کاندیدا باشند و آن بازیگر جوان برنده شود، او تشویقش می‌کند و با محبت و لبخند و گرمی برخورد می‌کند.

★ اصلا شرکت در جشنواره فقط با دعوت انجام می‌شود یا درخواست‌دادنی در کار هست؟

نوربخش: عده‌ای به دبیرخانه جشنواره درخواست می‌دهند. ستاد جشنواره بررسی می‌کند که اولویت آن کار امسال هست یا نیست و طبق آن درخواست‌شان قبول یا رد می‌شود. عده دیگری هم دعوت می‌شوند.

★ براساس چه متر و معیارهایی دعوت صورت می‌گیرد؟

نوربخش: به نگاهی که پشت جشنواره آن سال هست. برمی‌گردد؛ مثلا امسال تم نوستالژی را برای موسیقی ایرانی در نظر داشتیم؛ بنابراین برایمان اولویت داشت که گروه‌های موسیقی ایرانی، آهنگ‌های سال‌های گذشته را اجرا کنند. این نگاه سال دیگر به شکل دیگری است و این روندی است که در همه جشنواره‌ها وجود دارد. الان به‌ویژه کیفیت در هر شکلی اولویت دارد. تا زمانی که من هستم، اجازه نمی‌دهم کار با کیفیت کم وارد جشنواره شود؛ چون سطح جشنواره را نازل می‌کند.

★ اما در گروه‌های پاپ گروه‌هایی بودند که استاندارد باکیفیتی نداشتند.

نوربخش: این چیزی است که کارگروه باید از آن دفاع کند. ضمن اینکه درباره موسیقی پاپ بحث مفصلی وجود دارد. اولویت من در جشنواره پاپ نیست. این چیزی است که از قبل وجود داشته. اولویت من کسی است که دارد تجربه می‌کند. دلیلی دارد کروهی که صد تا اجرا در سال در دستویکمی‌اش رم را هم در جشنواره داشته باشد.

آقا: اما این را که امسال نگفتاش که جشنواره با اولویت موسیقی نوستالژیک است، می‌توانید زودتر از طریق فراخوان جشنواره اعلام کنید تا گروه‌ها بتوانند برنامه‌ریزی کنند.

نوربخش: بله. اما امسال ستاد جشنواره بیشتر شبیه به ستاد بحران بود. این صمیمیت است که دو ماه قبل از جشنواره حکم کردم. این جزء نشان‌می‌ها بود که امسال بخش بین‌الملل جزء، بایکیفیت‌ترین و بهترین بخش‌های جشنواره بود؛ وکرنه کدام کروه دو ماه مانده به جشنواره دعوت می‌شود و قبول می‌کند؟ این شانس ما بود که کسانی که خواستیم هستند و با دیدن‌شان فکر می‌کنم اینها هیچوقت نمی‌توانند موفقیتی کسب کنند اما کسانی هستند که در دنیا نشستن و بلند نشستن دو نفر از موزیسین‌ها یک چهره مطرح در موسیقی باب تبدیل کنند. آن آدمی است که می‌تواند بین هنر و تجاری بودن تأمین ایجاد کند. دوست دارم در جشنواره مالی‌اش، از جامعی بچها دریافت می‌کند و این بودجه به جایی اینکه کمک به هنرمندان محسوب شود، جول‌ای چرخ‌شان می‌گذارد که

★ شاید اجتنابی که در مورد جشنواره وجود دارد، به خاطر این است که آن را خیلی دولتی می‌بینند؛ یعنی فکر می‌کنند این اجرا از آن من نیست.

عظیمی‌نژاد: دولتی‌تر از جشنواره سینما در دنیا نداریم. همه جشنواره‌ها سیاست دارند. اما جشنواره ما تا حدودی سیاست‌زده است. هرکسی جریانی درست می‌کند که فیلم‌هایی که مطابق میلش است را ارائه دهد. اما به‌جرحال با وجود همه جنجال‌ها، هاهوها و حاشیه‌ها، اینکه بعضی از فیلم‌ها اصلا اجازه حضور پیدا نمی‌کنند و... همه سعی می‌کنند که حضور داشته باشند. اما در موسیقی دست ما خیلی بازتر است. هر کسی دارد سلیقه و استایل شخصی خودش را ارائه می‌دهد. کسی نمی‌گوید چون موسیقی در این راستا نیست نمی‌تواند در جشنواره حضور پیدا کند. مگر بعضی از موسیقی‌ها که اشکالاتی دارند و زیرزمینی می‌شوند. بین خانه موسیقی و جشنواره فجر هم جدایی نیست. این خود ما هستیم که باید ضعف را از خودمان دور کنیم.

آقا: یکی از دلایلی که به‌عنوان خواننده و آهنگ‌ساز و کسی که در جامعه‌شناسی مطالعاتی داشتم می‌بینم این است که موزیسین‌ها با سینماگرها متفاوت هستند. چون مثلا ما سینمای سستی نداریم، اما موسیقی سستی داریم. موزیسین‌ها به‌خاطر تفاوت در سبک، هرکدام دنیای خاص خودشان را دارند. سینماگرها همه با هم یک هدف را دنبال می‌کنند، اما موسیقی انتزاع محض است. خیلی جیزهایش از غرب آمده و هنوز هم از طرف بسیاری از مراجع فکری پذیرفته نشده است. نکته دیگری این است که فرمان در موسیقی، دست خوانندههاست. نه مؤلفان، آهنگ‌سازان، شاعران. تنظیم‌کنندهها و اندیشمندان. وقتی فرمان دست خواننده است، شاید کسی که سواد موسیقی ندارد، اما صدای نسبتا خوبی دارد، یک سری اثر کم‌ارزش اجرا کند و تبدیل به سوپراستار شود. بسیاری از این آدم‌ها، اگر جلو خانه موسیقی جمع شوند، اصلا حرفی برای گفتن ندارند؛ در سینما، کارگردان باید مطالعه داشته باشد تا فیلم بسازد. ولی خواننده بدون مطالعه هم می‌تواند محبوب باشد. علت این مسئله هم قدرت و نفوذ موسیقی است. این هنر به قول شوپنهاور شماره یک هنرهاست. به‌خاطر همین هر کسی می‌تواند وارد موسیقی شود. از شانس بد ما اصولا بدترین‌ها تبدیل به سوپراستار می‌شوند. این یکی از دلایل نبود اتحاد است. اگر موسیقی دست آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان‌ها بود، قضیه فرق می‌کرد، اما بسیاری از خواننده‌ها، اصلا به فرهنگ و صنف اهمیتی ندارند. درحالی‌که باید به‌جای اینکه زنگ بزنند که فلان خواننده با کروهش بیاید، از فلان آهنگ‌ساز یا کروهش دعوت کند که بیاید.

★ اصلا موافق این هستید که جشنواره از شرکت‌کننده دعوت کند که حضور داشته باشد؟

آقا: نه‌فقط به صورت سیمولیک در جواب اینکه می‌گویم اگر خانه موسیقی بسته شود کسی نیست که بشنش باشد. چون طولا اصلی همان شاعر و آهنگ‌ساز و تنظیم‌کننده هستند که مردم اسمشان را نمی‌دانند، ولی در سینما یا تئاتر، مؤلف رچ‌برخ با مخاطبان در ارتباط است. ضمن اینکه بخش عمده سوپراستارها، در موسیقی پاپ فعال هستند. درحالیکه موسیقی ما سنتی و مقامی و ملی و محلی هم دارد. همین طور موسیقی زیرزمینی راه خودش را می‌رود. اینها با هم قابل اتحاد نیستند.

★ در کشورتان وقتی مرحوم خواستند که فلقه بخوانند، شما کنسلید که در جشنواره نمی‌شود چون زمان محدودی داریم. به نظر می‌آید هنرمندان به اجرای جشنواره صحه‌ای نمی‌گذارند که بعضی می‌گذارند. شاید این دلیل اصلی شکرنکردن بعضی از هنرمندان در جشنواره باشد.

آقا: برخی از هنرمندان برای این نمی‌آیند که می‌بیند به اصطلاح که متحمل می‌شوم، با کروهم به این جشنواره می‌روم، اما احتمالا در نهایت جایم را به کسی می‌دهند که همسترو را جریان حرکت می‌کند. از طرف دیگر بعضی از تهیه‌کنندگان چون می‌بینند که شرکت‌کردنشان عدیه مالی برایشان ندارد، گروه را قانع می‌کنند که شرکت نکنند. عده‌ای هم بیشتر تحت‌تاثیر قرار می‌گیرند که اینها نمایش جداست. کاش می‌شد جشنواره ما خوجی فرهنگی داشته باشد؛ یعنی یکوییم اصلا جشنواره تمام شد و ۱۰ نفر هنرمند عضو شدند، کنسلت کردیم. نه‌اینکه فقط آدم‌های معروف در اثرش کنند. جزایه بارید هم با این اسم زمایش. نمی‌دانستیم که این کار چطور بود. اما...

★ آقای چراغعلی به‌عنوان داور باب این دوره از جشنواره و کسی که سال‌هاست در این حوزه فعالیت می‌کند. اگر به اجرا توجه ویژه می‌کردید، چقدر می‌توانست به جشنواره وجاهت دهد و مؤثر واقع شود؟ چون به نظر می‌آید کاری که در جشنواره انجام می‌شد، می‌توانست در طول سال هم انجام شود و احتیاجی به جشنواره نداشت.

چراغعلی: سیاست‌گذاری جشنواره به‌گونه‌ای بود که بخش رقابتی در اجرا نبود. سال گذشته بعد از اتمام جشنواره، قرار بود کمیته‌ای تشکیل شود و این بعد بررسی شود که کارگروهی تشکیل شود که اجرای مختلف را در طول سال ببینند و اجرای منتخب سال داشته باشیم. این کار مشکلات خاص خودش را داشت. اما سیاست جشنواره در سال گذشته، بررسی دوساله خوجی‌هایی بود که به بازار عرضه شده بود. اما امسال هم از مهرماه سال گذشته تا امسال ۲۷ اثر در بخش بالکام و ۱۵ اثر در بخش بی‌کلام منتشر شده بود. در طول سال هم می‌شود اجرا را بررسی کرد. اما بالاخره جشنواره بهترین زمان برای اعلام نتایج است. می‌شود یک کمیته کوچک رونمایی گرفت. اما چه بهتر که در حاشیه برگزاری جشنواره که مهم‌ترین رخداد موسیقی است این اتفاق بیفتد.

★ منظور این است که در کشور ما جایزه‌هایی با سطح قابل قبول ارائه می‌شود. اما به نظر می‌آید چیزی که مغفول مانده، بحث منطقه اجراست: اعم از طراحی صحنه و لباس. اجرای خوانده و موسیقی بالکام و بی‌کلام و...

عظیمی‌نژاد: اینکه راه‌حلی پیدا کنیم مثل اینکه فلان گروه موسیقی زیرزمینی که در طول سال نمی‌تواند مجوز بگیرد، به کشور معرفی می‌گذارند. شاید این دلیل اصلی شکرنکردن بعضی از هنرمندان در جشنواره باشد.

آقا: اینکه راه‌حلی پیدا کنیم مثل اینکه فلان گروه زیرزمینی که در طول سال نمی‌تواند مجوز بگیرد، کاذب و موقتی است و به مرور زمان جذابیتش از بین می‌رود. وقتی مشکل حل می‌شود که تهیه‌کنندگان جشنواره موسیقی فجر را بستری بدانند برای اینکه آرتیست‌های تازه‌کار را پیدا کنند و برایشان اجرا بگذارند کمااینکه الان هست کسانی که این کار را می‌کنند. آدم‌هایی هستند که بنا به دیدن‌شان فکر می‌کنم اینها هیچوقت نمی‌توانند موفقیتی کسب کنند اما کسانی هستند که در دنیا نشستن و بلند نشستن دو نفر از موزیسین‌ها یک چهره مطرح در موسیقی باب تبدیل کنند. آن آدمی است که می‌تواند بین هنر و تجاری بودن تأمین ایجاد کند. دوست دارم در جشنواره مالی‌اش، از جامعی بچها دریافت می‌کند و این بودجه به جایی اینکه کمک به هنرمندان محسوب شود، جول‌ای چرخ‌شان می‌گذارد که

★ پس چرا اختتامیه این‌قدر از لحاظ حضور هنرمندان خلوت بود؟

نوربخش: در موسیقی هنوز این برایمان جا نیفتاده که من می‌توانم جزء پنج نفر کاندیدا باشم و جایزه نگیرم. سال گذشته کسی را داشتیم که همان شب اختتامیه جزء پنج نفری بود که اسمش اعلام شد و جایزه نگرفت. شب به من پیامک داد که جرا به من توهین کردی؛ یعنی هر چیزی را غیر از اینکه جایزه بگیرد، برای خودش توهین تلقی می‌کرد. در سینما سال‌های سال است که این روال وجود دارد.

★ در سینما هم همین حرف‌ها وجود دارد.

نوربخش: اما جاافتاده‌تر است. در موسیقی یکی، دو سال است که این کار انجام می‌شود. به هر کسی زنگ می‌زنیم که جزء کاندیداها هستی، انکار می‌خواهد متوجه نشود که برنده شده یا نه. که بیاید یا نه. این هم نشان می‌دهد که جایزه اهمیت دارد و هم اینکه جزء اهل موزیسین‌ها نمی‌آیند. در سینما اگر یک بازیگر بازتجربه مثل رابرت دنیرو و یک بازیگر جوان کاندیدا باشند و آن بازیگر جوان برنده شود، او تشویقش می‌کند و با محبت و لبخند و گرمی برخورد می‌کند.

★ اصلا شرکت در جشنواره فقط با دعوت انجام می‌شود یا درخواست‌دادنی در کار هست؟

نوربخش: عده‌ای به دبیرخانه جشنواره درخواست می‌دهند. ستاد جشنواره بررسی می‌کند که اولویت آن کار امسال هست یا نیست و طبق آن درخواست‌شان قبول یا رد می‌شود. عده دیگری هم دعوت می‌شوند.

★ براساس چه متر و معیارهایی دعوت صورت می‌گیرد؟

نوربخش: به نگاهی که پشت جشنواره آن سال هست. برمی‌گردد؛ مثلا امسال تم نوستالژی را برای موسیقی ایرانی در نظر داشتیم؛ بنابراین برایمان اولویت داشت که گروه‌های موسیقی ایرانی، آهنگ‌های سال‌های گذشته را اجرا کنند. این نگاه سال دیگر به شکل دیگری است و این روندی است که در همه جشنواره‌ها وجود دارد. الان به‌ویژه کیفیت در هر شکلی اولویت دارد. تا زمانی که من هستم، اجازه نمی‌دهم کار با کیفیت کم وارد جشنواره شود؛ چون سطح جشنواره را نازل می‌کند.

★ اما در گروه‌های پاپ گروه‌هایی بودند که استاندارد باکیفیتی نداشتند.

نوربخش: این چیزی است که کارگروه باید از آن دفاع کند. ضمن اینکه درباره موسیقی پاپ بحث مفصلی وجود دارد. اولویت من در جشنواره پاپ نیست. این چیزی است که از قبل وجود داشته. اولویت من کسی است که دارد تجربه می‌کند. دلیلی دارد کروهی که صد تا اجرا در سال در دستویکمی‌اش رم را هم در جشنواره داشته باشد.

آقا: اما این را که امسال نگفتاش که جشنواره با اولویت موسیقی نوستالژیک است، می‌توانید زودتر از طریق فراخوان جشنواره اعلام کنید تا گروه‌ها بتوانند برنامه‌ریزی کنند.

نوربخش: بله. اما امسال ستاد جشنواره بیشتر شبیه به ستاد بحران بود. این صمیمیت است که دو ماه قبل از جشنواره حکم کردم. این جزء نشان‌می‌ها بود که امسال بخش بین‌الملل جزء، بایکیفیت‌ترین و بهترین بخش‌های جشنواره بود؛ وکرنه کدام کروه دو ماه مانده به جشنواره دعوت می‌شود و قبول می‌کند؟ این شانس ما بود که کسانی که خواستیم هستند و با دیدن‌شان فکر می‌کنم اینها هیچوقت نمی‌توانند موفقیتی کسب کنند اما کسانی هستند که در دنیا نشستن و بلند نشستن دو نفر از موزیسین‌ها یک چهره مطرح در موسیقی باب تبدیل کنند. آن آدمی است که می‌تواند بین هنر و تجاری بودن تأمین ایجاد کند. دوست دارم در جشنواره مالی‌اش، از جامعی بچها دریافت می‌کند و این بودجه به جایی اینکه کمک به هنرمندان محسوب شود، جول‌ای چرخ‌شان می‌گذارد که

★ شاید اجتنابی که در مورد جشنواره وجود دارد، به خاطر این است که آن را خیلی دولتی می‌بینند؛ یعنی فکر می‌کنند این اجرا از آن من نیست.

عظیمی‌نژاد: دولتی‌تر از جشنواره سینما در دنیا نداریم. همه جشنواره‌ها سیاست دارند. اما جشنواره ما تا حدودی سیاست‌زده است. هرکسی جریانی درست می‌کند که فیلم‌هایی که مطابق میلش است را ارائه دهد. اما به‌جرحال با وجود همه جنجال‌ها، هاهوها و حاشیه‌ها، اینکه بعضی از فیلم‌ها اصلا اجازه حضور پیدا نمی‌کنند و... همه سعی می‌کنند که حضور داشته باشند. اما در موسیقی دست ما خیلی بازتر است. هر کسی دارد سلیقه و استایل شخصی خودش را ارائه می‌دهد. کسی نمی‌گوید چون موسیقی در این راستا نیست نمی‌تواند در جشنواره حضور پیدا کند. مگر بعضی از موسیقی‌ها که اشکالاتی دارند و زیرزمینی می‌شوند. بین خانه موسیقی و جشنواره فجر هم جدایی نیست. این خود ما هستیم که باید ضعف را از خودمان دور کنیم.

آقا: یکی از دلایلی که به‌عنوان خواننده و آهنگ‌ساز و کسی که در جامعه‌شناسی مطالعاتی داشتم می‌بینم این است که موزیسین‌ها با سینماگرها متفاوت هستند. چون مثلا ما سینمای سستی نداریم، اما موسیقی سستی داریم. موزیسین‌ها به‌خاطر تفاوت در سبک، هرکدام دنیای خاص خودشان را دارند. سینماگرها همه با هم یک هدف را دنبال می‌کنند، اما موسیقی انتزاع محض است. خیلی جیزهایش از غرب آمده و هنوز هم از طرف بسیاری از مراجع فکری پذیرفته نشده است. نکته دیگری این است که فرمان در موسیقی، دست خوانندههاست. نه مؤلفان، آهنگ‌سازان، شاعران. تنظیم‌کنندهها و اندیشمندان. وقتی فرمان دست خواننده است، شاید کسی که سواد موسیقی ندارد، اما صدای نسبتا خوبی دارد، یک سری اثر کم‌ارزش اجرا کند و تبدیل به سوپراستار شود. بسیاری از این آدم‌ها، اگر جلو خانه موسیقی جمع شوند، اصلا حرفی برای گفتن ندارند؛ در سینما، کارگردان باید مطالعه داشته باشد تا فیلم بسازد. ولی خواننده بدون مطالعه هم می‌تواند محبوب باشد. علت این مسئله هم قدرت و نفوذ موسیقی است. این هنر به قول شوپنهاور شماره یک هنرهاست. به‌خاطر همین هر کسی می‌تواند وارد موسیقی شود. از شانس بد ما اصولا بدترین‌ها تبدیل به سوپراستار می‌شوند. این یکی از دلایل نبود اتحاد است. اگر موسیقی دست آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان‌ها بود، قضیه فرق می‌کرد، اما بسیاری از خواننده‌ها، اصلا به فرهنگ و صنف اهمیتی ندارند. درحالی‌که باید به‌جای اینکه زنگ بزنند که فلان خواننده با کروهش بیاید، از فلان آهنگ‌ساز یا کروهش دعوت کند که بیاید.

★ اصلا موافق این هستید که جشنواره از شرکت‌کننده دعوت کند که حضور داشته باشد؟

آقا: نه‌فقط به صورت سیمولیک در جواب اینکه می‌گویم اگر خانه موسیقی بسته شود کسی نیست که بشنش باشد. چون طولا اصلی همان شاعر و آهنگ‌ساز و تنظیم‌کننده هستند که مردم اسمشان را نمی‌دانند، ولی در سینما یا تئاتر، مؤلف رچ‌برخ با مخاطبان در ارتباط است. ضمن اینکه بخش عمده سوپراستارها، در موسیقی پاپ فعال هستند. درحالیکه موسیقی ما سنتی و مقامی و ملی و محلی هم دارد. همین طور موسیقی زیرزمینی راه خودش را می‌رود. اینها با هم قابل اتحاد نیستند.

★ در کشورتان وقتی مرحوم خواستند که فلقه بخوانند، شما کنسلید که در جشنواره نمی‌شود چون زمان محدودی داریم. به نظر می‌آید هنرمندان به اجرای جشنواره صحه‌ای نمی‌گذارند که بعضی می‌گذارند. شاید این دلیل اصلی شکرنکردن بعضی از هنرمندان در جشنواره باشد.

آقا: برخی از هنرمندان برای این نمی‌آیند که می‌بیند به اصطلاح که متحمل می‌شوم، با کروهم